November 2016 AWAKENING Issue # 90

ضعیف ترین اندیشه‌ها
از بیشترین دعاها
سودمندتراست

بیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۹۰ کانون خردمداریِ ایرانیان
سال شانزدهم - مهرماه ۲۵۷۵ برابر ۱۳۹۵ تحمیلی

دو سخن بیهوده
التماس دعا داریم!
محتاج دعا هستیم!

حاشا به غیرت تان

هر روز شمار اعدام شدگان بی گناه و مظلوم در ایران بیشتر و بیشتر می‌شود، و شما جوانان ایران، دیگر آهی هم برای آنها نمی‌کشید. اما برای مظلوم کربلا هر ساله این روزها سیه پوش می‌شوید و گریه و زاری می‌کنید. حاشا به غیرت و شرف تان، حاشا به میهن دوستی و معرفت تان. کدام انسان عاقلی برای کسی که او را ندیده و هزار سال پیش مُرده گریه‌اش می‌گیرد؟

فراخوانِ دومِ «جنبش رهایی از اسلام» در این شماره

دکتر محمدعلی مهرآسا

پاسخ کتابی که می‌خواهد ثابت کند قرآن دارای اعجاز دانش است!!

قرآن کتابی است مغشوش و مهمل که هیچ یک از آیه های آن با دیگری نمی‌خواند. در واقع در قرآن در هرآیه اغلب سه موضوع کاملاً جدا از هم نوشته شده است که نشان از اغتشاش فکری نویسنده است. حال این نویسنده اگر به‌قول آقای (پ - ع) الله موهوم و لاوجود و فانتزی است؛ و یا محمد صرعی مبتلا به شیزوفرنی، فرقی نمی‌کند. از هرکس باشد درهم گویی و درهم نویسی کاملاً هویدا و روشن است. به‌عنوان نمونه آیه ۱۸۹ سوره بقره:

«از تو سؤال کنند سبب بدر و هلال ماه چیست؟ بگوکه در آن

☜

ما به شما مشکوکیم آقا

آخرین بخش
نامه‌ی سی و چهارم محمد نوریزاد به خامنه‌ای

گام دوم، تهییج ملاهای مغز فندقی برای شیعه گستری بود، کجا؟ در هر کجا که آوازه‌ای از اسلام بود. شما شیعیان داخل ایران را ندیدید و در ناکجا آباد برای یافتن دوتا شیعه چشم برتلسکوپ نهادید و میلیاردها هزینه کردید برای چه؟ تا مگر تخم شیعه را در هرکجا بپرورانید و برای امام زمانتان سربازی کنید.
آهنگ دلخراش شیعه گستری جناب شما که در منطقه پیچید، سُنیان سَلَفی یک به یک سر برآوردند که اگر بنا به کُشتن و جلو رفتن و یار جمع کردن باشد مگر ما دستمان کج و ملاجمان

مانده در رویه‌ی ۳

پاسخ کتابی که می‌خواهد ثابت کند قرآن دارای اعجاز دانش است!!

تعیین اوقات عبادت و حج و معاملات مردم است. و نیکوکاری بدان نیست که از دیوار پشت به‌خانه درآیید؛ چه این کار ناشایست است. نکوکاری آن است که پارسا باشید و به‌هرکاری از راهش داخل شوید و تقوا پیشه کنید باشد که رستگار شوید».

خوب دقت فرمایید از محمد می‌پرسند چرا ماه کوچک و بزرگ می‌شود. پاسخی جفنگ می‌دهد که برای تعیین اوقات است!! چه کسی اکنون وقت را با ماه قمری حساب می‌کند. در زمان محمد نیز در اروپا و چین سال خورشیدی منبع تاریخ بود. تغییراندازه ماه در آسمان چه از ابتدای ماه قمری که شب اول اندازه‌ی یک قیطان است و در روز ۱۴ هلال کامل می‌شود؛ و چه بعد که مرتب و برعکس کوچک می‌شود و دوباره به حد یک خط یا نخ می‌رسد، چگونه روز تاریخ ماه قمری را اگر طرف در حافظه نداشته باشد از روی اندازه‌ی ماه تعیین می‌کند؟
این پاسخ مدتهاست تاریخش گذشته و پاسخی هجو و بسیار نابه‌جاست.
بعد در همان آیه یک دفعه موضوعش عوض می‌شود و به‌یک مهمل و جفنگ جدید تبدیل می‌گردد که: نیکوکاری بدان نیست که از در پشت وارد خانه شوید!! جف‌القلم! این یعنی چه از پشت به‌داخل خانه آمدن یعنی از دیوار بالا رفتن که علامت دزدی و دزد بودن است. اینهاست قرآنی که آقای (پ ـ ع) جاهل ولی متعصب قشری برایش اعجاز علمی می‌تراشد!! نوشته‌ی متن قرآن از نظر انشائی بیشتر به هجویات و جفنگ تنه می‌زند. درحالی که آقای (پ ـ ع) زور زده است که دانش جدید را از لابلای این مهملات بیرون بکشد که تنها آبروی خود را بُرده است. چون مجبور است به دروغ و خدعه متوسل شود.
با وجود این بدیهیّات قرآن، آقای (پ ـ ع) از آتمسفر زمین صحبت می‌کند و چنان بی‌جا و ناروا می‌گوید که اعجاب‌آور است. او مسایلی را مطرح می سازد که نه خودش می‌داند چه گفته است و نه ما خواننده واقف می‌شویم که منظور چیست؟
ما می‌دانیم و در شماره‌های پیش نیز اشاره کردم که اطراف زمین تا ارتفاع ۲۰۰ کیلو متر جوّ یا آتمسفر است و روشنایی خورشید تنها در این دویست کیلو متر نمایان است و پس‌از آن تاریکی مطلق است. برای همین است که ما ماه را در آسمان همیشه در یک فضای تاریک می‌بینیم و اطرافش مطلق تاریک است. یعنی چون ماه خارج از آن جوّ دویست کیلو متری است، علیرغم روشن بودن خودش به‌سبب انعکاس نور خورشید بر آن، ما آن را در فضایی تاریک می‌بینیم. زیرا اطراف ماه هوا و فضا نیست که نور خورشید را نمایان کند. چون نور تا به‌جسمی برنخورد دیده نمی شود. و رنگ اجسام هم بستگی به‌رنگ طیف نور خورشید دارد که به‌آن جسم می‌خورد و رنگش نمایان می‌شود. در تاریکی تمام اجسام به هر رنگی باشند، سیاه دیده می‌شوند. پس این خزعبلات و روده درازی برای چیست؟ ما همه خود آن را می‌دانیم اما شما آیه قرآن را به‌آن وصل کرده و بخیه هم رویش می‌زنید.
مطابق فرمایش خودتان قرآن در سوره المدثر آیه ۳۴ می‌گوید:
«والصُبحِ اذا أسفَر» قسم به صبح که زمین را روشن می‌کند.
آیا این خورشید است که صبح را می سازد یا صبح است که خورشید را نشان می‌دهد. خیر آقای فیثاغورث زمان! جناب (پ ـ ع) صبح به علت وجود خورشید ایجاد می‌شود؛ صبح زمین را روشن نمی‌کند! بل خورشید است که بامداد را به‌وجود می آورد. چون خورشید طلوع می‌کند روز آغاز می‌شود. پس قرآن مهمل بافته است!
مطمئن باشید در قرآن هیچ معجزه‌ای نیست. برعکس کتابی است مهمل و حاصل اندیشه‌ی آشفته‌ی یک مغز نابخرد و مشوش و یک روانِ پریشان. تنها شیفتگان و پابوسان محمد عربند که برای این کتاب به غایت چرند و مهمل معجزه آنهم از نوع فیزیکی و شیمیایی و نجومی می‌تراشند.
بُت پرستان همشهری محمد ده ها بار از محمد معجزه خواستند؛ و او پاسخی داده است که مسخره است! چون از جانب الله پاسخ می‌دهد: تو اگر معجزه هم نشان دهی، آنها به‌تو نمی‌گروند! این هم حرفی مهمل و مسخره است. اگر محمد یکی از آن معجزات دروغینی که به‌موسی و عیسی گره زده است. نشان مردم می داد، بدون تردید نه‌تنها دینش را می‌پذیرفتند، بل به‌پایش هم می‌افتادند. محمد می‌دانست که آن معجزات موسی و عیسی نیز هجو و مسخره بوده است.
در مورد کروی بودن زمین، این دانشمند گرانمایه می‌خواهد با زور و خدعه و معنای غلط قرآن و تفسیر به‌رأی خویش، نشان دهد که قرآن زمین را کروی می‌داند. در حالی که بارها در قرآن نوشته شده است زمین مسطح و ساکن است. اما نگاهی بیندازید به‌این خدعه دانشمند زمان ما آقای (پ. ع):
«خلق السّماواتِ والارضَ با لحَقِ یُکوّرُالیل علی النهارِ و یُکوّرُ النهارَ علی‌الیل و سَخَّرَالشمس و القمرَ کُلٌّ یَجری لا جلٍ مُسَمّی اَلا هُوَالعَزیزُالغَفّارُ»
معنی آیه مشخص است و عربی ساده‌ای است. تنها اهمیتش این است که سخن مربوط به مُخ افراد مخبط است و بوی دیوانگی می‌دهد.
«آسمانها و زمین را به‌حق آفرید. شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را مسخر کرد. هریک تا مدت معینی حرکت

می‌کنند آگاه باشید که او گرانمایه و بخشنده است»
توجه فرمایید بحث چه اندازه سخیف و دور از فهم است! شب را بر روز می‌پیچد و روز را بر شب! یعنی چه؟ شب و روز که جسم نیست تاریکی و روشنی زمین است در اثر حرکت خود زمین در برابر خورشید تنها آدم های بی سواد و اندک مایه‌اند که هنگام نوشتن تعارف با اسلام چنین اراجیفی می‌بافند و تصورشان این است که معلومات و ادبیات به‌کار بُرده‌اند. حال آنکه آبروی خویش را برباد داده‌اند! آدم بی سوادی که بخواهد قلمبه ـ سلمبه سخن بگوید، چون بی‌مایه است، این اراجیف از ذهنش بیرون می زند... مگر شب و روز باند زخم پیچی‌اند که چنین دُرّی برایشان فشانده است؟
هریک تا مدت معینی حرکت می‌کنند نیز چه مفهوم و معنایی دارد؟ عُمر خورشید را سی میلیارد سال و ماه و زمین را نیز پنج میلیارد سال تخمین زده‌اند و همچنان هستند و وجود دارند و به‌آدمیان سود می‌رسانند. ولی دیوانگانی چون ما، مُردند و رفتند. در ضمن آن مدت معین در قرآن، چه اندازه و چه مقدار زمان است؟
آقای (پ ـ ع) می فرماید «یُکوِّر» در عربی یعنی پیچیدن مانند عمامه ملاها، پس به همین دلیل وجود این کلمه، قرآن زمین را کروی تشخیص داده است!! عجب دانشمندی است این (پ ـ ع) ما استادی در دانشگاه داشتیم می‌گفت: «امان از خورده معلومات...» که هم صاحبش را گول می‌زند و کنف می‌کند؛ هم مخاطب را به‌خنده وا می‌دارد. افزون براین، خورشید و ماه دست کدام قدرتمند و حکومت غدّار بودند که الله این دو را از آنها گرفت و تسخیرشان کرد؟ سخافت تا چه حد؟!

این روزها (یازدهم سپتامبر) روز سالگرد درگذشت ابرمرد مبارزه با اسلام، با جمهوری اسلامی و با خرافات، دکتر مسعود انصاری می‌باشد.
یاد ونام و زحمات شبانه‌روزی او را هرگز فراموش نخواهیم کرد.

کدام یک از این دو اصول دین، خدایی‌تر، انسانی‌تر و بهتر است
۱ـ توحید ـ نبوت ـ معاد ـ یا
۲ـ دروغ نگویید ـ مهربورزید ـ بجای نیایش دانش بیاموزید
بیداری

سرانجام، دین نیز مانند نژادپرستی توهین آمیز و مذموم تلقی خواهد شد.
کریس اودود

نامه‌ی سی و چهارم محمد نوریزاد به‌خامنه‌ای از رویه‌ی نخست
معیوب است؟ طالبان و القاعده و جیش‌العدل و بوکوحرام و جیش‌المختار عطش شیعه‌گستری شخص شما بود که بر ساخت و تر و خشک شان کرد. صبور باید بود نوبت گسست و تکه پاره شدن به کشور ما نیز می‌رسد. شما بخاطر همین رهبر شده‌اید گویا. سپاه و اطلاعات شما در مشت روسها و اسراییلی هاست عده‌ای از سرداران و اطلاعاتی های شما از روس ها و اسراییلی‌ها مزد می‌گیرند و خواسته های آنان را بر میز شما و دولت و مجلس تان می‌نهند. نتیجه‌ی حضور روسها و اسراییلی‌ها در دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی این شده که سپاهیان شما با همه‌ی تجهیزات در عراق و سوریه به‌گِل بتپند و راه خروجی نیز نداشته باشند.
شما کاری کردید که روس ها بر ریز و دُرشت سرزمین ما دست بُردند و هر بلایی که می خواستند بر سر ما آوردند. هرچه روسها دارایی ما را بلعیدند بجایش برپشت ملت ما خنجر نشاندند. اما جناب شما بی‌اعتنا برای غارت هایشان راه گشودید. از همان روز نخستی که با ریسمان روسها به قهقرای هسته‌ای فرو شدید، روسها می دانستند که انتهای این بازی کودکانه به‌کجا می‌انجامد. خوب که دارایی هایمان را با امضای شخص شما مکیدند، خودشان مقدمات بتن ریختن به قلب راکتور هسته‌ای اراک را فراهم آوردند. و شما عجبا با تماشای خنجری که روسها برپشت‌تان نشاندند برای احداث چند نیروگاه هسته‌ای دیگر خیز برداشتید و با روس‌های هفت خط قرارداد بستید و راه را برای بلعیدن های مکررشان هموار کردید.
شما هرچه آخوند بی‌خرد و جهل گستر بود، به امام جمعگی برگزیدید، سرمایه های نقدِ مردم را به مؤسسه های شیعی سرازیر کردید و هیچ به دختران و بانوانی که از فرط فقر تن به تن‌فروشی می‌سپردند اعتنا نکردید. صمیمانه بگویم آقا شما هشتصد سال از امروز دنیا عقبید.
فریب جاسوسان روسی و اسراییلی را خوردید و رسماً در عراق و سوریه و یمن به جنگ پرداختید و میلیاردها سرمایه‌ی مردم ایران را بی‌اجازه آنان سوختید و میلیون ها انسان بی‌گناه را کُشتید و آواره کردید. امروز چه از غرقاب عراق و چه از باتلاق سوریه شما را راه بازگشتی نیست، شماباید هرچه بیشتر آدم بکُشید و پول خرج کنید، **دست های شما خونی است آقا**
شما گویا رهبر شده‌اید برای این که ایران به چند پارگی بیفتد. راستی موشک های شهاب و خط و نشان دادن سرداران سپاه باید حریف داعش می‌شد و هورای مردم جهان را بلند می‌کرد.
از من دلگیر نشوید آقا. من از راه رفته‌ی شما پرده برمی‌دارم. هرچه هم دلیل بیاورید ما به شما مشکوکیم آقا. بگذارید مردم هم به‌من مشکوک باشند.

برگردان ـ فرید ایرانی

از چند سایت علمی ـ فضایی

مقاله جالب علمی

عمر هستی، فشرده شده در یک سال!

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم در حدود ۱۳/۸ میلیارد سال عُمر دارد که اگر این مدت را به‌صورت یک تقویم یک ساله درآوریم تاریخ بدین سان خواهد بود.
هرماه کمی بیشتر از یک میلیارد سال خواهد شد و هر روز تقریباً معادل چهل میلیون سال و هر دقیقه‌ی تقویم کیهانی تقریباً معادل ۲۷ هزار و ۸۰۰ سال است
روز اوّل فروردین ۲۷ هزار و ۸۰۰ سال است
روز اوّل فروردین لحظه‌ی تحویل سال، انفجار بیگ‌بنگ صورت می‌پذیرد.
دنیا به مدت ۵ روز (۲۰۰ میلیون سال) در تاریکی به سر میبرد.
گرانش، توده های گاز را در کنار هم قرار داده و آنها را گرم می‌کند تا این که سرانجام نخستین ستاره‌ها درخشش خود را در روز دهم فروردین آغاز می‌کنند.
در سیزدهم فروردین ستاره‌های پدید آمده به‌یکدیگر می‌پیوندند و نخستین کهکشان های کوچک را ایجاد می‌کنند این کهکشان ها نیز در هم ادغام می شوند تا کهکشان های بزرگتر را ایجاد کنند از جمله کهکشان راه شیری که در پانزدهم خرداد پدید آمد.
خورشید ما در سی‌ام آبان ماه پدید آمد (چهار و نیم میلیارد سال قبل) و روز بعد زمین و باقی سیارات منظومه شمسی با شروعی دشوار پدیدار شدند.
در روزهای ابتدایی دی ماه به طرز ناشناخته‌ای نشانه هایی از حیات بر روی زمین پدیدار شد.
(در زمان پیدایش حیات بر روی زمین بیش از ۱.۳/ میلیارد سال از پیدایش کهکشان ها می‌گذشت)
در هشتم بهمن ماه کیهانی حیات بر روی زمین آشکار شد؛
موجودات میکروسکوپی بر روی زمین نفس می‌کشیدند، راه می‌رفتند، غذا می‌خوردند و به محیط اطرافشان واکنش نشان می‌دادند.
در پانزدهم اسفند ماه زندگی در دریا ها اوج گرفت، گویا خشکی ها هم مساعدتر شده بودند و انفجاری از نظر تنوع ایجاد شد، گیاهان و حیوانات بزرگتری به‌وجود آمدند، تیکتنالیک یکی از اوّلین جانورانی بود که پا برخشکی نهاد.
جنگل ها، دایناسورها، پرندگان، حشرات، همه‌ی آنها در هفته‌ی آخر اسفند ماه تکامل پیدا کردند.
اولین گُل در ۲۶ ام اسفند ماه شکوفا شد.
در ساعت ۶ و ۲۴ دقیقه‌ی بامداد روز ۲۸ام اسفند در تقویم کیهانی (چیزی در حدود ۱۰۰ میلیون سال پیش) سیارکی با زمین برخورد کرد و باعث انقراض آخرین گونه‌ی دایناسور ها شد.
و اما ما انسان ها
ما در آخرین روز تقویم کیهانی و در آخرین ساعت این سال به‌وجود آمدیم
در حدود ساعت ۲۳ و ۵۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه بشر اولین نقاشی‌های ثبت شده در غارها را در تقویم کیهانی نگاشت.
ساعت ۲۳ و ۵۹ دقیقه و ۴۶ ثانیه
همین ۱۴ ثانیه‌ی پایانی همه‌ی تاریخ ثبت شده‌ی ما را به خود اختصاص می‌دهد.
و همه‌ی انسان هایی که اغلب اسم آنها را شنیده‌ایم در این ۱۴ ثانیه زندگی می‌کرده‌اند.
در ساعت ۲۳ و ۵۹ دقیقه و ۴۶ ثانیه (تقریباً شش هزار سال پیش) ما نوشتن را اختراع کردیم.
موسی هفت ثانیه‌ی پیش به‌دنیا آمد؛
بودا شش ثانیه قبل
مسیح پنج ثانیه قبل؛ محمد سه ثانیه قبل
حتی دو ثانیه هم از زمان کشف قاره‌ی آمریکا نگذشته و تنها در ثانیه‌ی آخر تقویم کیهانی بود که ما شروع به‌استفاده از علم کردیم تا اسرار عالم و قوانینش را آشکار کنیم.
روش علمی آنچنان قدرتمند است که در طی حدود چهار قرن ما را از نخستین نگاهی که گالیله از درون تلسکوپ به دنیایی دیگر انداخت به‌گام گذاشتن بر روی ماه رسانده است به ما اجازه داده است تا به‌پهنه فضا و زمان بنگریم تا کشف کنیم که در کجا و در چه زمانی از عالم قرار داریم ما ابزاری برای عالم بودیم تا خود را بشناسد. و تمام علم ما در یک ثانیه آخر این یکسال از عمر هستی اینگونه روند زندگیِ بدوی ما را تغییر داد و با اضافه شدنِ عمر علمی ، منظر زندگیِ آیندگان چه شگفت‌آور خواهد بود Tampabaysolarsystem,org

نکاتی از مقاله امیرفیض به فرانسوا اولاند

فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه گفته است:

«هیچ چیز در مفهوم سکولاریسم فرانسه وجود ندارد که با عمل به فرائض اسلامی مخالفت کند، به شرطی که خلاف قانون نباشد»

سخنان رئیس جمهور فرانسه نه تنها وارد نیست که در بردارنده مصیبت هاست، اسلام قابل تقسیم به عملی و غیر عملی نیست، ایمان واقعی به‌اسلام یعنی عمل به‌اسلام، بخش عمده‌ای از آیات قرآن مربوط و دستورالعمل مسلمانان است نسبت به‌غیر مسلمانان که از مراحل کوچک مانند عدم دوستی و معاشرت با کفار، نپرداختن مالیات، تا به‌کُشتار و غارت اموال کفار ختم می‌شود، اینها همه از حقوق مسلّم مسلمانان است و این تکالیف و حقوق «در کشورهای غیراسلامی» از آنها سلب می‌شود، اینجاست که تعارض در اظهارات آقای رئیس جمهور فرانسه دیده می شود، یعنی از یکطرف حق اجرای احکام اسلامی را به‌مسلمانان مقیم کشور فرانسه می‌دهد ولی آنرا مشروط به‌اطاعت از قوانین کشور فرانسه می‌نماید. بنابراین دولت فرانسه مسلمانان را نسبت به‌اجرای تکالیف دینی آنها بوسیله قوانین جاری در فرانسه غصب می‌کند.

یکی از حقوقی که مسلمانان مقیم فرانسه به‌اعتبار احکام دینی خوددارند مخالفت با هرنوع قانونی است که در فرانسه وضع گردد! در اینصورت چگونه ممکن است قوانین که منافات با حقوق عملی اسلام است بگویید «هیچ چیز در سکولاریسم فرانسه وجود ندارد که با عمل به فرائض اسلامی مخالفت کند» به زبان دیگر، اگر فرانسه حقوق عملی مسلمانان را محترم می‌شمارد نمی تواند با وضع قوانین مدنی حرکت آن را متوقف کند، و ادعای رئیس جمهور فرانسه با گفتن «بشرطی که خلاف قانون نباشد» تعارض دارد.

اظهارات درهم و برهم رئیس جمهور فرانسه از نوعی ترس و واهمه و یا ملاحظات سیاسی برخوردار است که مساله را طوری طرح کرده تا نه سیخ بسوزد و نه کباب

«اولاند مانند سایر رهبران غرب فکر می‌کند بچه گول می‌زند، در حالی که مسلمانها سر همه‌ی جهان کلاه می‌گذارند و کار خود پیش می‌برند ـ بیداری»

اصل ماجرا چیست؟

برخلاف تصور رئیس جمهور فرانسه مسلمانی که در کشورهای غیراسلامی ساکن شده‌اند هیچگونه حقی به اسلام عملی و احکام اسلامی ندارند، زیرا آنها با آمدن به فرانسه به میل و اراده خود این احکام عملی را از خود ساقط کرده‌اند چون احکام اسلامی قابل تفکیک نیست که برخی را اجرا و برخی را اجرا نکرد؛ لذا مسلمانِ مقیم کشور کفر که به‌میل و اراده خود پیشگام نقض احکام عملی اسلام شده است نمی‌تواند مدعی حقوق ناشیه از احکام اسلام از کشورهای «نامسلمان» شود.

از آن مهمتر!

مسلمانانی که به تابعیت کشورهای کفر (نامسلمان) درآمده‌اند از اسلام خارج شده‌اند و منظور داشتن حقوق احکام عملی اسلام برای کسی که اسلام را ترک گفته مبنای منطقی ندارد.

برای حفظ سلامت جامعه (جهان) باید مسلمانان و یا پیروان ادیان دیگر که به‌کشورهای غیر وارد و سکنی می‌گزینند احکام مورد عمل آنها قوانین (مدنی) آن کشور باشد نه‌احکام دینی آنها.

مسلمانان ساکن کشورهای دیگر باید همرنگ مردم آن کشور ها بشوند و از قانون و حقوق اجتماعی آنان تبعیت کنند و اگر خود را مقید به‌اجرای احکام اسلامی می‌دانند بهتر است یک کشور اسلامی را برای اقامت خود انتخاب کنند.

حسین رحیمی تهران

در تلویزیون ایران هر ٦ کانال دعای کمیل می‌خواندند با ترجمه فارسی بطور زیرنویسی، البته اینجا کسی زیرنویس ها را نمی خواند و خیلی هم زود زیرنویس ها می رود و نمی‌شود آنها را خواند. روز بعد دعای عرفه بود که کانالها یکی پس‌از دیگری پخش می‌کردند، مردم بی نوا هم کتاب بر سر و قرآن بر سر همین جوری زار میزدند. تا آنجاکه من دیدم معنای این دعاها این است، ای خدایی که تو بزرگی، ای خدایی که من ذلیلم، ای خدایی که تو بخشنده‌ای، ای خدایی که من گناهکارم، و .... من روسیاه را ببخش و مرا تنها نگذار و بفرست بهشت..... اگر دکتر مهرآسا بزرگمرد دانا ترجمه این سه چهار دعای ذلیل کننده انسان را ترجمه و نقد کند خیلی خوبست، دعای کمیل، دعای عَرَفه، دعای ابوحمزه سمالی، دعای جوشن کبیر و صحیفه سجادیه.

پاسخی به دوستداران متعصب مولانا!

دکتر محمدعلی مهرآسا

نقد مثنوی مولانا توسط صاحب این قلم در نشریه‌ی بیداری، یک دو نفر از هم میهنان را خوش نیآمده و مرا با ارسال پیام و فکس مورد عتاب و خطاب قرار داده‌اند؛ که مولانا از این داستانها منظورها داشته و می‌خواسته است مقصود خود را از زبان دیگران بیان کند و...

البته من هم این گونه دستاویزکردن داستان ها توسط نویسنده را می‌شناسم و می‌پذیرم. در ضمن می‌دانم نه‌تنها مولانا، کسانی دیگر نیز برای تبیین مقولات فلسفی و اجتماعی - به‌زعم خود - اغلب به‌داستان سرائی و تمثیل پردازی از دیگران رو می آورند و حکایات و امثله را به‌مستندی برای اثبات ادعای خویش تبدیل می‌کنند. جناب مولانا خود در همین باره می‌گوید:

خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

اما مشکل من با این داستانها و مثالها در این است که نه تنها غیر واقعی‌اند، که خارق‌العاده‌اند و اغلب سر به‌معجزه می سایند. مسلم است خرق عادت، همان معجزه است که زنده یاد کسروی آن را به «نتوانستی» معنی کرده و مرا با آن سر ستیز است. من معجزه را دروغ بزرگ می‌دانم و به هرنوع «خرق عادت»ی می‌خندم.

آخر چه عقلی قبول می‌کند که شیطان در اتاق خواب قصر معاویه وارد شده و او را برای ادای نماز صبح بیدار کند؛ یا دزد شبگرد برای دزدی از دیوار خانه‌ی خود بالا رود و خانه‌ی خود را نشناسد! یا این خرافه مزخرف را چرا مولانا باید بیآورد که «جنین عیسی در شکم مریم به جنین مادر یحیا سجده کرد!» ...

یا این بیت مزخرف:

اُستُن حنّانه از هجر رسول ناله ها می‌کرد چو ارباب عقول

مولانا بسیار گفته و نوشته و قطعاً در بسیارگوئی هم اشتباه و غلط بیشتر است؛ و مهملاتش نیز کم نیست! ادعای ناله کردن ستون چوبی جز دروغ و خدعه چه نام دارد؟

این را نیز بگویم که کتاب مثنوی به‌علت نفرت چندین سدهٔ آخوندها از آن در نزد بسیاری جایگاه والائی یافته؛ و به‌خاطر بُغض معاویه، حُب علی ایجاد کرده است. به‌طوری که کاتبان قدیمی این کتاب، بیتی سست و بسیار نادرست را به‌این مضمون در ابتدای هر دفتر می‌نوشتند که در نسخه های کهن وجود دارد:

«مثنوی ی معنوی مولوی هست قرآن در زبان پهلوی

در صورتی که:

۱- کتاب به زبان دری بود و نه پهلوی ۲- هیچ ربطی بین این دو کتاب یعنی قرآن و مثنوی نبوده و نیست؛ مگر در مهمل بافی. سراسر هر دو کتاب پُراز مکر و دروغ و خُدعه است. گرچه مولانا در استفاده از آیاتی از قرآن کوتاهی نکرده و مرتب به قرآن و حدیث اشاره دارد؛ اما این چنگ‌اندازی سبب همانندی نمی‌شود.

شاید منظور گویندهٔ آن بیت سُست و بی معنی، تنها این بوده است که نوعی تقدس وگونه‌ای مقام عُلوی و ماوراء طبیعی به‌این کتاب بدهد تا دستکم سخن و نظر منفی آخوندها را نسبت به‌مثنوی کم رنگ وکم اثرکند.

اما متأسفانه گویا همین ضدیّت آخوندی، گونه‌ای قداست برای مثنوی درست کرده است که مانند قرآن نتوان آن را نقد کرد و برآن ایراد گرفت.

نه!

این دیدگاهی نادرست است. زیرا هرنوشته که به میان عام آمد و هرگفته که در محضر عموم بیان شد، به همین دلیل ورودش به درون جامعه، خود را اسیر نقد و ایراد کرده است. هر مؤلف باید بپذیرد که تألیفش ممکن است با تیغ نقد، تشریح و با قلم تبیین، بررسی شود. اگر برای این کتاب قداستی همسنگ قرآن بتراشیم، به‌جلال‌الدین بلخی مؤلف کتاب جفا و ستم کرده‌ایم. این در حالی است که مدتهاست قرآن نیز از نقد و بررسی در امان نیست.

نمی دانم موضوعی که هم‌اکنون می نویسم، نقطه ضعف ماست و یا نقطه‌ی قوت. فقط این را می‌دانم که ما ایرانیان، هر مطلب مهم و یا سخیف و هر معضل و مشکلی را اگر به‌صورت شعر و نظم بیان کنند، عین حقیقتش می دانیم؛ و ذره‌ای در درستی‌اش تردید نمی‌کنیم. برای همین است که در بیان هرمطلب و سخن، بیت شعری یا نظمی به‌جا یا نابه‌جا چاشنی گفتار می کنیم؛ و به این وسیله به مخاطب فرمان می دهیم که نظرمان درست است و باید آن را بپذیرد. زیرا حجت کافی در دست داریم؛ و مگر مدرک از این قویتر و مستدلتر می شود که شعری از شاعری در چندین قرن پیش را به یاری گفتار آورده‌ایم...؟

به همین قیاس، اغلب اشعار با مفهوم غلط را می پذیریم و حاضر به نقد آن نیستیم. نگاه کنید به‌این بیت از غزلی از همین مولانا جلال‌الدین در دیوان شمس‌اش که مطلع غزل است.

من مست و تو دیوانه، ما راکه برد خانه

سدبار توراگفتم، کم خور(یاکم زن) دوسه پیمانه

مصرع دوم غلط است و باید چنین باشد «سدبار مرا گفتی، کم زن دوسه پیمانه» زیرا من مست کرده‌ام و شراب زیاد خورده‌ام؛ و تو دیوانه‌ای نه مست. این منم که در می‌نوشی زیاده روی کرده‌ام و باید کمتر باده می زدم و نصیحت را می پذیرفتم... بنابراین تصور نکنید بزرگان ادب یاوه نگفته‌اند.

نوروزِ نیویورک یا محرّمِ تورنتو؟

پیامبر اسلام باکُشتار مخلوقِ خدای خودش؛ با غارت اموال مردم و با باجگیری و زور، دین اسلام را در جهان پدید آورد، هزارو چهارسد سال بعد، پیروانِ او به همان شکل باکُشتار، چپاول اموال مردم، باگروگانگیری و شقاوت حکومت ننگین و زشتی را در ایرانِ ما برقرار کردند و باکارهای خود آبروی یک ملت وکشور خوشنام را از میان بُردند. از عوارض پدید آمدن این لکه سیاه در دامنِ تاریخ ایران کارهایی شرم آور مانند سینه زنی و قمه زنی نه تنها در ایران بلکه در بسیاری دیگر ازکشورها مانند کانادا و آمریکا و انگلستان بوده است. چند روز است فیلمی در اینترنت نشان داده می‌شود که در تورنتو به‌مناسبت محرم، ایرانی ها و افغانی‌ها به‌همراه مسلمانانِ عقب افتاده‌ی دیگر کشورهای ذوب شده در مفسده اسلام در خیابانهای شهر در برابر چشمان حیرت زده کانادایی ها به سینه زنی و زنجیرزنی و عربده کشی، حسین حسین گویان سدّ معبر کرده و آنجا را هم مانند کشورهای خود به‌کثافت کشانده‌اند و به یقین این رفتار وحشیانه‌ی خودزنی، زدنِ بر سر و سینه در چند کشور دیگر انجام شده است.
و در برابر این همه زشتکاری از سوی مسلمانان، چند سال است عده‌ای از عاشقان سرفرازی ایران در نیویورک گردهم می آیند و بزرگترین جشن نوروزی را برگزار می‌کنند تا چهره واقعی ایرانیان را به جهانیان نشان دهند. آنجا بجای کوبیدن بر سر و صورت و سینه، بجای سیاهپوشیدن و بجای بلند کردنِ عَلَم و کُتَل، با زیباترین لباسهای چشم‌نواز، به‌رقص و پایکوبی و آفریدن شادی و امید در دل های مردم می‌پردازند و پرچم های ملی ایران را به‌دست می‌گیرند و بهترین سرودهای میهنی را می‌خوانند. کار پُرزحمت و پُرهزینه اما افتخارآفرین این عده از هم میهنان ما در نیویورک (که خوشبختانه زحمات آنها نتیجه داده و در ایالت‌های دیگر هم برگزاری این جشن را آغاز کرده‌اند) سیلی سختی به‌صورت دشمنان درونی و بیرونی میهن ماست. پیوستن به‌اینگونه تلاش های فرهنگی برای خنثیٰ کردن همه‌ی سرشکستگی هایی که جمهوری اسلامی ایران برای کشور ما به‌وجود آورده است یک وظیفه ملی است. با شرکتِ خود در این جشن ها وحشی بازی اسلامی‌ها را در خیابانهای تورنتو و لس آنجلس و لندن و در همان نیویورک خنثیٰ کنید. ما راه دیگری برای مقابله با جنایتکارانِ حاکم بر ایران نداریم جز بزرگتر کردنِ جلوه‌های زیبای فرهنگ ایرانی.

این فروشگاهها از پخش بیداری درکالیفرنیا خودداری می‌کنند

تلفن ها وگله های زیادی داریم که چرا بیداری را در این یا آن فروشگاه نمی‌گذارید که به‌دست ما هم برسد. برای آگاهی آن عده از هم میهنان باید بگوییم به‌گزارش همکارانِ پخش ما، در چند فروشگاه ایرانی که همه‌گونه نشریاتی را عرضه می‌کنند از قرار دادن ماهنامه‌ی بیداری درکنار سایر نشریات خود داری می‌کنند. از جمله فروشگاههایی که اجازه نمی‌دهند بیداری را در فروشگاهشان بگذاریم عبارتند:
فروشگاههای مواد غذایی هولس آم چویس در ارواین - رنچو میشن مارکت در میشن ویه هو - جردن مارکت در همان شهر - رزمارکت در سن خوزه شهرک ساراتوگا وکوپرتینو. جالب است بدانید صاحبان این فروشگاهها به نشریاتی که تبلیغ کمونیستی می‌کنند و به‌کورش و داریوش و زرتشت و همه فرهنگ ایران ناسزا می‌گویند در فروشگاه خود اجازه پخش می‌دهند و قفسه جداگانه و زیبایی هم برایشان اختصاص می‌دهند اما از پخش «بیداری» که به‌دشمنانِ ایران انتقاد می‌کند و فرهنگ اجدادی این آقایان راگرامی میدارد و با خرافات می‌ستیزد پرهیز می‌کنند!. اشاره به‌پخش نشریه های کمونیستی و مذهبی که در این فروشگاهها به‌دست مردم داده می‌شود مخالفتی باانتشار و پخش اینگونه نشریه‌ها نیست که اتفاقاً بسیار هم ضروری برای آگاه شدن است، اما پرسش این است که چرا «بیداری» را از همین موقعیت که به‌سایر نشریات می‌دهید محروم می‌کنید؟
کار تبعیض آمیز صاحبان این فروشگاهها، هم خیانت به نسل های آینده ایران است که به‌این آگاهی های نوشته شده در بیداری نرسند و هم مخالف با قوانین اساسی کشور آمریکاست که حافظ آزادی بیان می‌باشد. این فروشگاهها برای از دست ندادن یکی دو مشتری از میان سدها مشتری روزانه خود که از تندروان مذهبی هستند مانع پخش بیداری در محل های خود شده‌اند. این هم‌میهنان ما متأسفانه نام ایرانی دارند اما عِرقِ ایرانی در وجودشان نیست.

«با همکاری و کوشش شما می توانیم»

بزرگداشت بابک خرمدین را جایگزین عاشورا و تاسوعا کنیم

پیشنهادی از سوی جنبش رهایی از اسلام

هم میهنان گرامی

در آستانه نوروز سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۰۱۱ میلادی، برای نخستین بار در تاریخ مبارزات ملی و فرهنگی ایرانیان هشتاد و نه تن از ایرانیان جان برکف، یگانه راه رهایی از این همه سیه روزگاری را، پشت کردن به اسلام و روی گرداندن از این دین بیگانه دانستند. و دلیرانه آرمان «جنبش رهایی از اسلام» را به‌ملت بزرگ ایران پیشنهاد نمودند. پس‌از پخش آن پیشنهاد در شاهراه های اینترنتی، چند هزار تن از ایرانیان آزاده، آن را امضاء کردند و دوشادوش روشن اندیشانِ راستین ایرانی، دین اسلام را برای همیشه از زندگی خود بیرون انداختند. نامهای آن شیردلان در بیداری شماره‌ی ۵۴ درج شده است.

پیش از نوشتن پیشنهاد دوم این جنبش، یادآوری چند نکته بایسته است.

پدران ما در چند سد سال گذشته در سوگ کسی سر وکلهٔ خود را به خون آغشته کردند که در ستیز با نیاکانمان گفته بود: «ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانیان هستند. روشن است که هر عربی از ایرانی بهتر و برتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانی ها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد. زنانشان را به‌فروش رسانید و مردانشان را به‌بردگی و غلامی اعراب گماشت.»

حسین‌ابن علی سفینةُالبحار و مدینه‌الاحکام والآثار. نوشته‌ی حاج شیخ عباس قمی. صفحه ۱۶۴

افزون براین نامه از حسین ابن علی که در نشان دادن دشمنی او و خاندان علی با ایرانیان بجای مانده، احمدابن یحیی بلاذری تاریخ نگار عرب نیز در گزارش کُشتار تازیان از ایرانیان، و آسیابهای خونی که در جای جای ایران به راه انداختند نوشته است: در جریان فتح گرگان و طبرستان در سال ۲۹ توسط اعراب: «گفته می‌شود که **حسن و حسین** (عین) **در این جنگ (فتح طبرستان) با «سعیدبن عاص» همراه بودند.**

«سعدبن عاص» در پی خونریزی‌های بزرگ، و آسیاب های خونی که در سال ۲۹ هجرت در آذرآبادگان و تبرستان براه انداخت در میان فرماندهان عرب بسیار نامور شد تا جایی که حسن و حسین فرزندان علی هم برای ریختن خون ایرانیان و چپاول دارایی و دسترنج مردم ایران و به‌اسارت بُردن زنان و دختران و پسربچه های ایرانی به سپاه او پیوستند و به‌دست خود، خون نیاکان ما را بر زمین ریختند.

با نگاهی به آنچه که در بالا گفته شد و بایادآوری این که تازیان در هیچ دوره‌ای دوستدار ایرانیان نبوده و در ۱۴۰۰ سال گذشته آسیب‌های بسیار بزرگی برمردم و فرهنگ و تمدن ایران زده‌اند، «**جنبش رهایی از اسلام**» دومین گام را در راه رهایی ایران برمی‌دارد و همهٔ آزاده زنان و بزرگمردان ایرانی را به پیوستن به پیشنهاد این جنبش بزرگ میهنی فرا می‌خواند:

فراخوان دومِ جنبش رهایی از اسلام

بیش از هزار سال است که گذشتگان ما از ترس فرمانروایان مسلمان؛ روحانیون و مراجع تقلید روزهای زیادی از سال؛ بویژه در ماه های محرم و صفر در سوگ حسین‌بن علی و خاندان اوکه بزرگترین دشمنان میهن ما بوده‌اند به سوگ می‌نشینند و با رفتاری بسیار زشت و ناپسند، پیکر خود را به‌خون وگِل آغشته می‌کنند و این کردار نابخردانه را به‌فرزندان خود نیز آموزش می‌دهند! خوشبختانه چند سالی است که طلایه‌ی بهار خردمندی در میان ایرانیان رُخ نشان داده و شمار بزرگی از ایرانیان به‌ارزش‌های فرهنگی و ملی خود پی بُرده و از خواب هزار و چهارسد ساله بیدار شده‌اند. این گروه بزرگ از جوانان ایرانی، دشمنان راستین سرزمین خود را شناخته و به‌آموزه های ایران ستیزانه‌ی آخوندهای شیعه پشت کرده‌اند.

برای نیرو بخشیدن به‌این بهار فرهنگی و گسترش آن در میان توده های ایرانی، ما امضاء کنندگان این فراخوان، همه‌ی آزاده زنان و بزرگ مردان ایرانی را فرا می خوانیم که بجای «**عزاداری حسینی و عاشورا و تاسوعا**» که بزرگترین دشنام به‌خرد و والامندی ما است ـ در شبها و روزهای تاسوعا و عاشورا، بجای رفتن به مساجد یا مراسم سوگواری برای حسین و دیگر دشمنان میهن، یاد و نام بزرگانی مانند بابک خرمدین و همه دیگر جانباختگان میهن اهورایی راگرامی بداریم و آیین ایرانی «**سوگ سیاوشان**» را پاس بگزاریم. و درگردهمایی های خود، به‌یاد آنان شاهنامه، رباعیات خیام و عاشقانه های حافظ را بخوانیم.

پیشنهاد دهندگانِ فراخوان دوم

دکتر فریدون آبتین ـ آلفرد آبرامیان، کنشگر فرهنگی و دبیر سایت سرو آزاده ـ هومر آبرامیان، مدیر فرهنگستان جهانی کورش بزرگ ـ نیما آریان، شاعر ـ مهیارآریوبرزن، کنشگر سیاسی ـ امیر آزاد ـ آبتین آیینه، شاعر و پژوهشگر ـ مینا ابراهیمی پیروز، دانشجو ـ امرواله ابراهیمی، عضوگروه آذرخش ـ دکتر سعید احمدی، کنشگر وتحلیل‌گر امور سیاسی و فرهنگی ـ دکتر سیروس اسدی، کوشنده فرهنگی ـ دکتر مهشید اسدی، کوشنده فرهنگی ـ افشین افشین جم، کنشگر سیاسی و مدنی ـ امید امیدوار، مدیر تلویزیون ای-2 ـ رضا ایرانی، کنشگر فرهنگی ـ دکتر احمد ایرانی، نویسنده ـ شادی اعطایی، پژوهشگر فلسفه، کنشگر اجتماعی ـ شهداد ایزدپناه، کوشنده سیاسی ـ امیل ایمانی، نویسنده ـ نسرین باستانی ـ آریا باقری، برنامه‌ساز تلویزیون ـ شاپور بهرامی ـ محمد بیات، مستند ساز و کوشنده‌ی سیاسی ـ ناصر پاکنژاد، کنشگر سیاسی ـ ایران پهلوان، کوشنده فرهنگی ـ فرهاد تـالشی، کوشنده سیاسی ـ جولی تنها، نویسنده و برنامه ساز تلویزیون ـ حسین توسی، کوشنده‌ی سیاسی ـ دکتر ناصر توکلی، مدیر رادیو ایران هوستون ـ آرمان جمشیدی ـ سهراب چمن آرا، کوشنده فرهنگی ـ بهرام چوبینه، پژوهشگر تاریخ اجتماعی ـ پـرویز حدادی زاده، کنشگر سیاسی و حقوق بشری ـ فرشید حسین پور، فعال سیاسی ـ احمد خلیلی، نویسنده و کنشگر اجتماعی ـ میترا درویشیان، داستان نویس و کنشگر حقوق بشر ـ ژاله دفتریان، «کوشنده‌ی پارسی گویی» ـ پریوش دیبا (گلبانو)، کوشنده سیاسی ـ محمد حسین رحیمی، از ایران ـ رحیم رحیمی، اطلاع رسانی بدون حد و مرز برای داخل ایـران ـ دکـتر سـید رزابـیان، کوشنده‌ی فرهنگی ـ کوروش رسولی ـ دکتر لطف‌الله روزبهانی، سردبیر نشریه پیام آزادگان ـ دکتر روشن سـندی ـ مـهرناز روشنگر، دانشجو ـ دکترحسن رهنوردی، کوشنده سیاسی ـ مرداویج زیاری، دبیر جمعیت خرد پیشگان ریشه‌ای ـ شادی سابجی، مترجم ـ علیرضا (بابک) سپاسی، شاعر و طنز پرداز ـ سرور سهیلی، شاعر و کوشنده سیاسی ـ مهندس جمشید شادمهر، کـنشگر سیاسی ـ شهرام شفیعی ـ جاوید شهافر، نویسنده ـ مراد شیخی ـ بهزاد صمیمی، کنشگر سیاسی ـ دکتر میرهاشم ضیایی، نویسنده ـ فرامرز طاهری، نویسنده، فعال سیاسی و روشنگر ـ مهرداد عارفانی، شاعر ـ دکتر سیاووش عبقری، اسـتاد دانشـگاه و کـنشگر فرهنگی و حقوق بشری ـ دکتر شهلا عبقری، استاد دانشگاه، کنشگر فرهنگی و حقوف بشری ـ علیرضا عجمی، کوششگر سیاسی ـ رضا امیر عزیزی، مترجم و روزنامه نگار ـ پری عسگری، کوشنده حقوق بشر ـ میرزاآقا عسگری مانی، شاعر، نویسنده و مدیر رادیو مانی ـ شهاب عقیقی، روزنامه نگار ـ عزیز غزنوی ـ احسان فتاحی ـ کامران فرزان، شاعر ـ فریدون فرهی، فعال سیاسی و حقوق بشر ـ زمان فیلی، روزنامه نگار ـ احمد قریشی، هنرمند نقاش ـ مرتضی قلمبر ـ پروین کریم ـ دکتر حسن کیانزاد ـ سیاوش لشگری، سردبیر نشریه‌ی بیداری ـ دارا لشگری، نویسنده و فعال حقوق بشر ـ بهمن مبشری ـ فرشته مجیدی، نویسنده و زندانی سیاسی پیشین ـ دکتر پرویز معتمدی، نویسنده ـ دکتر محمد علی مهرآسا، پروهشگر ـ مهر مهرآیین، کنشگر سیاسی ـ رضا مهربانی، کنشگر سیاسی و حقوق بشری ـ پرویز مینویی، برنامه ساز تلویزیون و نویسنده ـ دکتر مرتضا میرآفتابی، نویسنده و شاعر ـ خلبان فرهاد نصیرخانی، کوشنده سیاسی ـ جمشید نوری، هنرمند دوبلور ـ دکتر بهرام ورزا، نویسنده ـ فرشاد ورهرام ـ هـوشنگ وزیـن، سازمان سرباز.

شماری از ایرانیان هم در فیس بوک جنبش رهایی از اسلام امضاء کرده‌اند که چون برخی نام ها مستعار است از آوردنشان در اینجا پوزش می‌خواهیم.

وظیفه ملی بقیه‌ی هم میهنان ایراندوست تبلیغِ موضوع این فراخوان در میان جامعه است. پیروز باشید.

فراخوانِ نخستِ جنبش رهایی از اسلام با نام امضاکنندگان آن در شماره ۵۴ بیداری ـ مارچ ۲۰۱۱ ـ ۱۳۸۹ درج شده است

نوشداروهای بعد از مرگ

ما هنگامی به سراغ دوستان می‌رویم که مُرده باشند، محل ملاقات در قبرستان! ما با مُرده هایمان وقت بیشتری می‌گذرانیم تابا زنده هایمان! ما به جبران نرفتن هایمان به‌دیدار دوستان، پس از این که مُردند به سرخاک آنها، به چلوکبابی پس از دفن‌شان، به سوم، به چهلم و برای سرِ سالِ آنها حتماً می رویم! ما حتابرای مُردگان کشورهای دیگر حاضر به‌جانفشانی هستیم! اگر مُرده‌ی پدر و مادرمان را پس از یک سال فراموش کنیم، مُرده‌ی کشورهای دیگر را هرگز فراموش نمی‌کنیم حتا اگر بیشتراز هزار سال پیش مُرده باشند!

ما عاشق مُردگانیم، برای این‌که عاشق زندگان بودن هزینه دارد.

نوشته ها و ننوشته ها

در قرآن، از سگ اصحاب کهف نوشته، از دست بریده ابی‌لهب نوشته، از اندام و سینه های مانند لؤلؤ مرجان حوریان بهشتی نوشته، در مورد غلمان ها نوشته، در مورد نوبت همخوابگی محمد با زنانش نوشته، در مورد کتک زدن زنان نوشته، در مورد کُشتار انسان به‌دست انسان به وفور نوشته، از بوزینه و بزمجه و خوک نوشته اما در این کتاب هیچ سخنی و هیچ کلمه‌ای از امام بودن علی و حسن و حسین و بقیه آنها ننوشته، از جانشینی علی برای محمد ننوشته از امام زمان کجاست و کی می آید ننوشته، از عشق، از مهر، ازگذشت، از خودگذشتگی، از انسانیت، از تکنولوژی، از پزشکی، از دوستی با حیوان ها، و از هیچ معضل زندگی جوانان، کهنسالان و.... و ننوشته است.

قرآن در حد کتاب قصه‌ی بی سر و تهِ حسین کُرد شبستری است نه بیشتر.

> بیزارم از آن خدایی که به اطاعتِ من، از من خشنود و به‌معصیتِ من، از من خشم گیرد، پس او خود در بند و اسیر من است تا من چه کنم یا نکنم.
> عطار نیشابوری ـ تذکرة اولیا

> خداوندا با چه جراتی سرطان استخوان را برای کودکان خواستی یا فرستادی.
> استفان فرای

> پس ازکشف روسپی خانه های مشهد به‌اعتراض مردم، مسافران عربِ مشتری این مکان‌ها را از مشهد بیرون کردند. امیدواریم مردم خودِ امام رضا را فراموش نکنند.
> بیداری

پرویز مینوئی

پاسخی به زاده افغان

در مجله محبوب بیداری شماره ۸۹ در قسمت «نامه ها و پیام‌های وارده» چنین خواندم «هم میهنان ایرانی و هم زبانان افغانی خودتان بروید سوره ابراهیم آیه ۴ را بخوانید تا بدانید پیامبرتان کیست و به چه زبان سخن می‌گوید ـ وقت داشتید سوره نحل آیه ۷۱ را هم بد نیست بخوانید تا عدالت خدا را در همین آیه ببینید. زاده افغان» اطاعت کردم و قرآن ترجمه آقای الهی قمشه‌ای را آوردم و در سوره ابراهیم آیه ۴ چنین خواندم. «ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر به‌زبان آن قوم تا برآنها.... بیان کند.... آنگاه خدا هرکه را خواهد به ضلالت وا می‌گذارد و هرکه را خواهد به مقام هدایت می‌رساند...» و اما ترجمه آیه ۷۱ سوره نحل: «و خدا رزق بعضی از شما را بربعضی دیگر فزونی داده آنکه رزقش افزون شده به زیردستان و غلامان زیاده را نمی‌دهد تا با هم مساوی نشوند...» و حالا با اجازه این عزیز «افغان زاده» اضافه می‌کنم سوره مریم آیه ۹۷ «ما حقایق این قرآن را تنها به‌زبان تو سهل و آسان کردیم...» سوره زخرف آیه ۳ «که ما قرآن را به لسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما در فهم آن مگر عقل و فکرت به کار بندید...» و سوره دخان ۵۸ «و ما این قرآن را به‌زبان تو آسان کردیم تا مگر خلقان متذکر حقایق آن شوند» سوره شعرا آیه های ۱۹۸ و ۱۹۹ «اگر ما این کتاب عربی را بر بعضی مردم عجم نازل می گردانیدیم و رسول به‌زبانِ تازی برعجم ها قرائت می‌کرد آنان ایمان نمی آورند...»

اگر بخواهم همه را نقل کنم طولانی می‌شود و تنها اشاره می‌کنم به سوره یوسف آیه ۲ به سوره طه آیه ۱۱۳ به سوره زمر آیه ۲۶ و به سوره فصلت آیه ۳ و سوره شعرا آیه های ۱۹۳ تا ۱۹۵ مراجعه فرمائید و در پایان و محکم‌تر از همه و آشکارتر از همه در سوره شورا آیه ۷ «و چنین قرآن فصیح عربی را ما به تو وحی کردیم تا مردم شهر مکه ام‌القرا و هرکه در اطراف آنست بترسانی...

روشن می‌شود که آقای محمد می‌خواست فقط سرور و آقای جزیره‌العرب بشود و در زمان زنده بودن خود هیچگاه اجازه نداد به سرزمین های وابسته به‌ایران و روم حمله بشود و این آقای عمر بود که از کثرت شمشیر به دستان عرب در مدینه، که هنری جز آدم کُشی بلد نشده بودند دچار وحشت شد و بر خلاف باور آقای محمد به‌تصرف دیگر سرزمین ها اقدام نمود. در پایان توصیه می‌کنم زن و زنانه و مرد و مردانه به‌بیداری کمک کنید

Parvizminooee@msn.com

بخش جوانان دانشمند و خرافه زدا

* ما پیش‌از آمدنِ روی زمین درون یک «سوپرنوا» بوده‌ایم ما خود از درون آتش سوپرنواهای فضایی به‌بیرون پرتاپ شده‌ایم. پس‌از مرگ هم هیچ آتشی را حس نخواهیم کرد. آرش ایمورتال

* ما از جنس و نسل ستارگانیم نه از جنس خاک و گِل. شصت عنصر بدن ما از ستاره ها تشکیل شده‌اند، آهن، کلسیم، فسفر، پتانسیم، گوگرد، روی، پروتئین؛ کربوهیدرات و چربی، اکسیژن، کربن، هیدروژن، نیتروژن، اسیدهای نوکلئیک، سدیم، منیزیم، ید، کلر، نیکل.... که بدن ما را تشکیل می‌دهند همه در ساختار ستاره‌ها وجود دارند. و بسیاری از ستارگان مُردند و از بین رفتند تا من و شما ساخته شویم و امروز اینجا باشیم. خدا را فراموش کنید، خدا حتا نمی دانست زمین گرد و کروی است. فرید ایرانی

برگرفته از یک مقاله علمی

* تفاوت بین ادیان، تفاوت بین مرض ایدز است با ابولا!

فرید ایرانی

* انسان فریبکار هرکاری دلش خواست کرد و انداخت گردن خدا، حتا در مساله هوس هایش و تجاوز جنسی به دختر خُردسال ۹ ساله. مهدی قدسیانی

* آیا کسی می داند، پیامبر اسلام محمدابن عبداله در هنگام نماز بجای، اشهدو انَّ محمداً رسول الله، چه می‌گفت؟

خسرو دادگر

* مشکل ادیان ویژه‌ی اسلام نیست، هنگامی که در سال ۱۸۴۰ برای نخستین بار از داروی بیهوشی برای تخفیف درد زایمان استفاده شد، رهبران مذهبی کلیسا به آن اعتراض کردند. آنها گفتند در انجیل آمده که «با درد کودکانی به دنیا خواهی آورد و این مجازاتی برای خوردن میوه‌ی ممنوعه توسط حوّا....»

اشکان ایرانی

* هنگامی که داروی «پروزَک» برای رفع افسردگی ساخته شد کشیش‌ها استفاده آن را منع کردند. آنها می‌گفتند کسی که افسردگی دارد، جن و شیاطینی در وجود او رخنه کرده و نباید در زندگی‌اش دخالت کرد. ایوان پری

> کودکان هدیه خداوند نیستند، آنها هدیه‌ی عشق مشترک میان دو (تن) هستند، و مادر برای این هدیه، بدن خود را قربانی می‌کند! لطفاً از دادن این اعتبار و فداکاری بزرگ و سختی که مادر می‌کشد به خدا خودداری کنید.
> جنیفرهانیس اوفه

دکتر دانا شیرازی

رادیکالیسم اسلامی و ضد اسلامی

سردبیر محترم بیداری

با آنکه می دانم این نوشته با روش شما هم‌آهنگ نیست آنرا می‌فرستم نخواستید چاپ نکنید.

چرچیل سیاستمدار معروف انگلیسی می‌گفت همه مردم و حتیٰ سیاستمداران در شبانه روز مرتکب اشتباهات و حماقت های گوناگون می‌شوند. آدم های معمولی و نخبگان هم از این قانون مستثنی نیستند.

دانشمند گرامی، جناب دکتر مهرآسا هم به باور من که ادعای دانشی ندارم، در باره مولانا و شمس تبریزی دچار اشتباه هستند. شادروان احمد کسروی، یکی از فرهیختگان نامی و تاریخ‌نگار بی همتائی است که گفته بود «**در ایران برای ستیز با پندارها از دشنام و دشنه سود می‌برند.**» این نویسنده و تاریخ نگار بی‌همتا جان خود را در راه باورهای خود از دست داد. او هم دشنام و هم دشنه را تجربه کرد.

پس‌از رویدادهای ۵۷ ایران، احسان طبری که در کادر رهبری حزب توده بود، در نوشته های خود اقرار کرد که رهبران حزب توده در جامعه ایران دچار اشتباه شدند. طبری می گفت: «ما نفهمیدیم که با چه مردمی و چه باورهائی روبرو هستیم و ندانستیم که آلودگی مردم ایران به دین و آئین تا چه اندازه چشم آنها را بسته است و ناآگاهانه با دین و آئین ستیز کردیم.»

احمد کریمی حکاک استاد ادبیات در یکی از سخنرانی های خود در شهر بالتیمور می‌گفت شما روشنفکران چگونه می‌توانید مردمی که روزانه بیش از دویست هزار نفر از آنان به زیارت امام رضا در مشهد می روند را نادیده بگیرید. مردم ایران هنوز هم از سنگ و چوب و کاشی های قبر این «امام» معجزه می‌خواهند، و روزانه میلیونها تومان از درآمد کم خود را در داخل قبر او می‌اندازند.

اگر روزی به مشهد رفتید؛ با فاصله کمتر از سی کیلومتر، سه آرامگاه وجود دارد، نادرشاه، فردوسی بزرگ و هشتمین امام شیعیان. در آرامگاه نادر و فردوسی، تنها چند نفری آن هم توریست های خارجی دیدن می‌کنند ولی بر سر قبر امام رضا صدها هزار نفر سرگرم گریه و زاری هستند. اینها هم وطنان ما هستند که بخاطر فرار افرادی مانند من و میلیونها ایرانی دیگر در تاریکی باقی مانده‌اند.

خمینی در ماههای نخستین پس‌از بهمن ۵۷ گفت: «راه باز است بروید، ما دانشگاهیان و روشنفکرهای غرب زده نمی خواهیم.» و ما هم از روی خودخواهی فرار کردیم و میدان را برای کوردلان شیاد خالی گذاشتیم بسیار ساده‌انگاری است که باور کنیم تمام گرفتاری ها ریشه‌ی «مذهبی» دارد. مذهب تنها وسیله ایست برای مغزشویی مردم نادان و مردمی که محرومند و تنها پناهگاهی که دارند، امیدهای واهی ملاهاست و تنها دلخوشی آنان، شنیدن داستان های دروغ و معجزه های امامان و پیامبران است که با پیروی کورکورانه از آنان در آینده مبهم و نادیده‌ای از همه نعمت ها برخوردار خواهد شد. ریشه اصلی گرفتاری کشور ما نادانی است؛ نه تنها نادانی توده ها، بدتر از آن بی سوادی و نادانی وخودخواهی روشنفکران دروغین کشورمان است.

مردم ایران از رویدادهای صد و پنجاه سال گذشته ایران آگاهی کمی دارند. فتوای آخوندها برای جنگ با روس و از دست دادن بخش حاصل خیز ایران و عهد نامه های ننگین گُلستان و ترکمن‌چای که تنها با فتوای آخوندها انجام یافت گناهش به‌گردن آخوندهای آن زمان بود که محمد شاه را تهدید به اعلان جهاد نمودند. روشنفکران زمان شاه اگر به بی سوادی و ناآگاهی خود اقرار نکنند؛ باید آنان را خائن نامید چون با آگاهی از جنایات پی در پی ملاها باز هم به‌دنبال آخوند جنایتکاری چون خمینی افتادند.

در همین انقلاب مشروطیت آخوند فضل‌الله نوری حکومت مشروعه را می‌خواست و از محمدعلی شاه در کُشتار آزادی خواهان پشتیبانی کرد تا جنایت های تاریخی باغشاه و کُشتار جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک‌المتکلمین را با بدترین روش‌های غیر انسانی انجام دهد.

آخوند کاشانی برای از بین بُردن و سقوط دکتر مصدق به سرلشگر زاهدی پیوست و پس از کودتا با لبخند از خرابه های خانه دکتر مصدق با بیشرمی بازدید کرد. کارنامه آخوندها در ایران سیاه‌تر از آن بود که گروهی خودخواه و نادان از خمینی پشتیبانی کنند و عکسش را در ماه ببینند.

این نادانی توده عظیم مردم ایران بود که دست به خودکُشی جمعی زدند و اکنون تنها با ضداسلامی رادیکال نمی توان امیدوار بود که مردمی که ۱۴۰۰ سال مغزشویی شده‌اند، تمام سنت ها را رها نموده و از قید این خرافه ها آزاد شوند. احسانِ

طبری به خوبی به‌اشتباه خود و حزب توده پی بُرد و اقرار کرد که ما ناآگاه بودیم و از جامعه شناسی مردم کمترین دانشی نداشتیم.
شادروان احمد کسروی نیز همانند همتای دانشمند خود دکتر مهرآسا، مولوی را قشری و شمس تبریزی را ولگرد خطاب فرموده‌اند، کسروی نیز شعرای ایران را مشتی مفت خور و سربار جامعه می‌دانست.
با آنکه با نوشته های این دو اندیشمند ایرانی آگاهم ولی هردو نفر در این باره جنبه های اجتماعی را در نظر نگرفته‌اند.
به‌همان گونه که رادیکالیسم اسلامی چون داعش، القاعده و دیگران، اجتماع و مردم دنیا را زهرآلود کرده و مردم دنیا پیروان آئین های گوناگون را به‌جان هم انداخته است، رادیکالیسم ضد اسلامی هم باعث می شود که گروه های بسیار نادان و متعصب دست به‌یورش های دیوانه وار چون ۱۱ سپتامبر و رخدادهای پاریس و لندن و کالیفرنیا بزنند، وگروه بسیاری کودک و زن و مرد بیگناه را به‌خاک و خون بکشانند.
راه نجات از نادانی، آموزش است. خردگرایی و آموزش دایم را ادامه دهیم. باید بدون پرخاش، تاریخ اسلام و زندگی پیامبر اسلام را بر پایه‌ی اسناد تاریخی بازگو کنیم و تا آنجا که ممکن است با زبان ساده‌تر برای توده مردم سخن بگوییم. بدبختانه سخن گفتن برای توده های مردم کار آسانی نیست و تلاشهای برون مرزی روی ۷۰ میلیون مردمی که در زندان اندیشه های خود هستند، کارآیی چندانی ندارد.

ماجرای غرانیق

ماجرای ستایش و پرستش بت های مهم قریش توسط محمدابن عبداله به غرانیق شهرت دارد. حضرت در لحظات ناامیدی به کنار بت‌های معروف خود می آمد و این آیه را می‌خواند «افرایتم ال لات و الغـرّی» یعنی «مشرکان آیا دو بت لات و عزّی را دیدید؟» و سپس به‌زیارت و ستایش بت ها می‌پرداخت و می‌خواند «تلک الغرانیق العلی و ان شفاعتمن لترتجی» یعنی «آن بت ها، لات و عزّی بزرگند و هماناکه شفاعت آنها پذیرفته است» آنگاه حضرت به سجده می‌افتاد و مردم از ستایش پیامبر خوشنود میشدند و به سجده می‌افتادند ـ تاریخ طبری جلد سوم
البته متن آیه مذکور از قرآن های موجود حذف شده است زیرا حذف کنندگان معتقد بودند که آیه ستایش بت ها از شیطان برزبان پیامبر جاری شده است سوره حج آیه ۵۲ و ۵۳ ـ سوره اسری آیه ۷۳ و ۷۶ تاییدی بر واقعه غرانیق است.

دکتر دانا شیرازی

ما قبرستانی ها!

کار ما با قبر است! نشاط را ما از قبر می‌گیریم.! و سعادت را ما از قبر می‌گیریم.!
بار و بندیل تان راببندید، برویم کربلا سر قبر... از آنجا هم میرویم نجف سر قبر... بعد میرویم سوریه سر قبر... برمی‌گردیم به مشهد سر قبر... میرویم قم سر قبر... می رویم شیراز سر قبر... و اینجا همه قبر هست، می رویم سر قبر؛ سرقبر...
اصلاً زندگی ما همه در قبر است.! به همین خاطر آبادترین جاهای ما قبرستانها هستند.!
حتی تورهایمان هم قبرستانی شده است!
بعداز قبر دیگر چه داریم؟! مسجد!
در حالی که مسجد هم در ارتباط با قبر ساخته شده است.!
عزیزان، ما آدم های قبرستانی هستیم.!
گویی اهل زندگی نیستیم و ما را این‌گونه بار آورده‌اند.
این کشور پُر از قبر است، هر روز هم به گورها اضافه می‌شود.!
امام زاده پشت امام زاده کشف می‌شود و بر آنها بارگاه ساخته و به‌امت همیشه در صحنه برای پرداخت نذوراتشان تقدیم می‌شود.!
پس کاخ ها کو؟ سالن بزرگ نمایش کو؟ سالن بزرگ موسیقی کجاست؟ سالن‌های بزرگ ورزشی چه شد؟ شادمانی کجا رفت؟
آیا هدف از آفرینش ما رفتن بر سرِ گورها بوده است!
دوستان؛ آیا همه‌ی زندگی ما برای قبر است! کشور ما هم شبیه قبر شده است، قبرستانی بزرگ.
حیف از این کشور که گرفتار چنین بلای ویرانگری شد.
عزیزانم، کشور بزرگ، آرمان بزرگ می‌خواهد!
گویی ما زندگی کردن را فراموش کرده‌ایم. و با سکوت خود مهر تأیید بر همه چیز می‌زنیم...!!

وقف اموال در ایران

شنیدیم انسان ارجمندی از خوانندگان بیداری در فکر وقف اموال و املاک خود برای ایجاد چند مدرسه در ایران است. چه بهتر و غرورآفرین تر از این کار، به چنین افرادی باید آفرین‌ها گفت که ثروت خود را تا لحظه مرگ دو دستی نمی چسبند. ای کاش در میان این افراد باشند کسانی که، یک هزارم از همین اموالی راکه می خواهند وقف کنند به‌نشریه‌ای مانند بیداری نیز اختصاص دهند تا به‌نام خودشان این مدرسه هم باقی بماند که ضرورت آن برای مردم ما کمتر از دانشگاه نیست. مدرسه برای «آموزشِ» فیزیک و شیمی کم نداریم، اما مدرسه برای بالا بُردنِ «بینشِ» فرهنگی بسیارکم داریم.

سیاوش لشگری

روشنفکر کیست

چرا درخت روشنفکری در ایران گُل نمی‌دهد و به‌بار نمی‌نشیند؟ چرا ما حتا یک روشنفکر با استاندارد جهانی و واقعی نداشته و نداریم!

ویژگیهای ساختاری روشنفکری چیست که ملت ایران با داشتن کشوری کُهن و باتجربه از داشتنِ این یک قلم جنسِ مرغوب محروم است؟ مگر یونان چه داشت که ما نداشتیم، و هرچه اندیشمند و فیلسوف و روشنفکر بود سراز یونان درآورد و ما به‌محمد غزالی و مولوی و شیخ فضل‌اله نوری و علی شریعتی و جلال آل احمد و احمد فردید و سید حسن نصر، بسنده کردیم. درست است که روشنفکران سد سال گذشته ایران کسانی هستند که پدرانشان به زور با سواد شدند و به زور حاضر به‌عوض کردن لباس و کلاه شدند ولی امروز چه، روشنفکران امروزین هم چنگی به دل نمی زنند و چرایی آن را در این نوشته کوتاه بررسی می‌کنیم و ببینیم مشکل کار روشنفکران ایرانی درکجا قرار دارد. نخستین و مهم‌ترین ویژگی یک روشنفکر واقعی آن است که به‌هیچ گروه سیاسی تعلق نداشته باشد، ویژگی های بعدی عبارتند از، به هیچ فرد سیاسی و مذهبی تعلق خاص و خاطر نداشته باشد. با قیاس به‌همینِ دو ویژگیِ ابتدایی می‌توانید حدس بزنید که چرا ما یک روشنفکر واقعی در میان خیل بزرگ با سوادهای ایرانی نمی‌بینیم چون هرکدامشان اسیر و دربند یک گروه سیاسی و یا علاقمند به یک فرد سیاسی و مذهبی هستند! روشنفکر اگر روشنفکر باشد نمی تواند وابسته به دینی باشد. روشنفکر به‌تمام گروههای سیاسی و مذهبی با یک چشم نگاه می‌کند. همه انسانها را بدور از نژاد و مذهب و فرهنگشان دوست می دارد. و نژاد خود را اصلاً برتر از دیگران نمی پندارد، یک روشنفکر راستین با هیچ انسانی کینه و دشمنی ندارد، انسانها را فارغ از دین و آیین و سیاست شان دوست دارد و به‌باورهای شخصی آنها که کوچکترین تهاجم و زیانی بسوی جامعه نداشته باشد احترام می‌گذارد. روشنفکر از جنگ انسانها با هم بیزار است، او مخالف سرمایه داریِ افسار گسیخته و کمونیستی گداپرور و ناامید کننده است، یکی از اصول نیرومند در دل یک روشنفکر پیاده کردنِ عدالت اجتماعی از هر نوعش می‌باشد، روشنفکر راستین می داند و می‌فهمد انسان های بد، ستمکار، دزد و دروغگو بیمار هستند و دشمنی ها از سر ناآگاهی و کمبود دانش است...... یک روشنفکر احترام به‌عقاید دینیِ جمعیِ مردم را دست‌آویز سکوت خود برای مقابله با آن دین و آیین یا مرام و مسلک نمی‌کند، هرکدام ازاین باورها که از دایره و حیطه‌ی خصوصی و فردی خارج شدند باید مورد تحلیل و تفسیر قرار بگیرد و این کار روشنفکر است نه کسان دیگر، روشنفکر البته که با اندیشه های بدوی و عقب مانده و خرافی و جنگ افروز و گُمراه کننده برخورد می‌کند و جامعه را از گزند آنها آگاه می‌سازد. از صفات بارز یک روشنفکر دلیری او در ابراز عقیده است، روشنفکر از هیچ خدا و بنده‌ی خدا و سلطان و حاکم دیکتاتور نمی‌ترسد چون او خود بالاتر از همه اینها قرار دارد و کسی را که دارای این صفات برجسته است نمی توان آسیب رسانید مگر اینکه تعداد اینگونه روشنفکران در جامعه بسیار اندک باشد که جایگزین نداشته باشد. متأسفانه تا به‌امروز ایرانِ ما فرد یا افرادی با این ویژگیهای اصولی و ضروری در خود نپرورده است، و امیدواریم که در میان نسل آینده و دانش آموخته چنین روشنفکرانی به تعداد کافی و زیاد داشته باشیم تا ایران مسیر خود را به سمت و سوی پیشرفت، دموکراسی و آزادی، دستکم در حد کشورهای اروپایی و یا ژاپن وکُره جنوبی بیابد و پیش برود.

ویژه‌ی حج امسال

* هزار سال است به مسافرینِ حج می‌گویند، چراغی که به‌خانه رواست به مسجد حرام اَست، و یا اگر در بین فامیل و همسایه فقیری دارید، نخست باید به‌آنها کمک کنید و اگر کس دیگری نبود تشریف ببرید حاجی شوید، اما هیچ سخنی به‌گوش حاجی آقاها و حاجیه خانم ها فرو نمی‌رود.
* یاسین خواندن زیرگوش حاجی سودی ندارد!
* گناهکارترین مردمان که از نادان‌ترین های جامعه خویش‌اند هرساله عازم مکه می‌شوند که حاجی و حاجیه شوند.
* میلیون ها تومان هزینه سفر هر شخصی می‌شود که به حج می‌رود. نیمی از این پول به جیب حکومت ایران و نیم دیگرش به‌جیب دولتمردان عربستان ریخته می‌شود تا آقازاده های این دو حکومت فاسد اسلامی گرانترین ماشین‌ها را سوار شوند و کاباره های اروپا و کشورهای عربیِ خلیج پارس را پُرکنند.
* بازاریها که در اجحاف مردم زبانزد هستند بیشترین مسافران سفر حج می‌باشند که با داشتنِ لقبِ حاجی راحت تر سر مردم کلاه بگذارند.
* دعای میلیونها مسافران حج، اسهال بچه‌ای را بند نمی آورد، امّا یک تن در آزمایشِ یک دارو می‌تواند میلیونها بچه بیمار را سالم کند.
* این سخن را هم در یکی از تلویزیونهای لس آنجلسی شنیدیم که آقای آریا ـ ب گفتند «حج تون به کمرتون بخوره و روزگار شما مثل همان گوسفندانی بشه که عید قربان تکه‌تکه‌اش می‌کنید!»

نامه های وارده

* خواهر خوبم که جز خوبی کاری نکرد چند روز پیش از بیماری سرطان درگذشت، او تا لحظه آخر به‌یاد بچه‌های یتیم و سرطانی بود. اما الله دروغین توانایی درمان او را که همه دوستش می‌داشتند نداشت. خواهرم فردی مذهبی و خداباور و مسلمان بود. با این که می‌دانست من اعتقادی به‌دین ندارم حتا یک بار به‌من توهین نکرد و ایراد نگرفت. از ته دل آرزو می‌کنم ایران فردا حکایت خانه‌ای باشد که من و خواهرم با هم زندگی می‌کردیم، کسی را با کسی کاری نباشد.
آخرین شماره از بیداری را اگرچه با یک چشم اشک و با یک چشم خون می‌خوانم اما مراتب سپاسگزاری من را بپذیرید که در آگاهی و بیداری من سهم شایسته‌ای دارید
بیداری ها کماکان پخش می‌شود. تهران ـ کامران ـ ز
کامران جان، ما را هم در غم خود همراه بدان ـ بیداری

* زنها به‌امید تشکیل خانواده و داشتن فرزند ازدواج می‌کنند، آیا می‌دانید میلیونها زن در جهان نازا خلق شده‌اند و نمی‌توانند بچه‌دار شوند در زندگی چه می‌کشند؟ مردم ما که این درد جانگداز را نمی فهمند، خدا چرا متوجه نیست؟ و به‌یاری نمی‌آید. آن وقت این زنِ دلمُرده و بدبخت که یکی از آنها من هستم باید اجازه بدهم و اعتراضی نکنم که شوهرم برای بچه دار شدن زن دوم و سومی هم بگیرد. کدام عدالت کدام خدا، ولمان کنید. روحیه کاشانچی

* مساجد، خانه های خدا، فقط به‌درد «رفع قضای حاجت» می‌خورند. این را هنگامی فهمیدم که در بازار تهران به‌هر مغازه‌ای برای استفاده از دستشویی آنها مراجعه کردم هیچکدام راهم ندادند و همه می‌گفتند برو مسجد امام خمینی.
مسافر برگشته از ایران ـ عباس ـ گ

* شما فکر می‌کنید ما مسلمانها دیوانه‌ایم، کم عقلیم، بی‌سوادیم، ناآگاهیم، بیماریم، چه هستیم؟ سلیم پور
بیداری ـ نه، بیشترین مسلمانها هیچکدام از این عیب ها را ندارند، مشکل آنها فکر نکردن است. یک مسلمان اگر کمی در مورد دین خود بنشیند و فکر کند همه چیز تغییر پیدا می‌کند و کشورهای اسلامی بهشت می‌شود.

* به‌خاطر دین وحشتناکی که محمدابن عبداله ساخت، اعراب نه تنها از ایران بلکه از تمام مردم جهان باید پوزش بخواهند.
محمود ـ تکزاس

* چرا دختر ۹ ساله برای عمل جنسی خوبست و بالغ حساب می‌شود اما هنگام رای دادن نه، و عقلش نمی رسد؟ اینجاست که درست می‌گویند، اسلام دین زیر شکم است و با مغز کاری ندارد. زنی که به زور در ۱۳ سالگی ازدواج کرد ـ عزیزه

سیاوش لشگری

برای اندیشیدن

* شراب حرام است، فقط زمانی که پزشک آن را منع کند!
* اسلام باعث آبادانی کشورهای بی دین (چین و روسیه) و ویرانی کشورهای دیندار (عراق، سوریه، ایران، افغانستان...) شد!
* هزاران سال گذشت تا بشر فهمید که بُتِ ساخته‌ی دست خود را هم نپرستد! معلوم نیست چقدر طول می‌کشد که بُتِ ساخته‌ی ذهن خود را هم نپرستد!
* سالها سرمان را گرم کردند که انگلیس و استعمار دشمن مردم ایران است، حالا می فهمیم که دشمن درون قبرستانهای عراق و سوریه و عربستان و مشهد خفته است!
* چه کسی دروغگوست؟ کسی که ادعا می‌کند خدا هست و نمی تواند او را نشان دهد یا کسی که می‌گوید خدا نیست و نیست را هم که نمی شود ثابت کرد؟
* اعدام در کشورهای دیکتاتوری و مذهبی یعنی «قتل عمد دولتی» جایی که نه قاضی بی‌طرف، نه وکیل آزاد، نه دادگاه عادلانه و نه فرجام خواهی وجود دارد.
* زیانهای آمدنِ خمینی به‌ایران با هیچ کامپیوتری قابل محاسبه نیست، جنایت های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی او بیشتر از جنایت های ۱۴۰۰ ساله اسلام در ایران بوده است.
* ایرانی ها برای سالم رسیدن به روسپی خانه های تایلند، در هواپیما آیت‌الکرسی می‌خوانند!
* دین ها تا کوچک هستند انسانی و مهربانند، زمانی که جان می‌گیرند و بزرگ می‌شوند از مهربانی شان‌کم و قطر چماق‌هایشان زیاد می‌شود!
* یک کار خدا بی‌نقص در نیآمده!
* مرگ گُلها نشانه نبودن باغبان است و مرگ انسان علامت نبودن خدا!
* کارِ یک شهر با زور یک پاسبان نمی‌گردد، و کار این زمین با اراده‌ی یک خدا میسر نیست!
* اعتیاد ایرانی‌ها به حسین و علی زیانبارتر از اعتیاد.به شیشه و حشیش و هرویین است!
* نادانیِ مسلمان خوب و مسلمان بد یک اندازه است!
* هر دینی که کتاب آسمانی دارد باطل است، کتاب که آسمانی نمی شود!
* امروزه دیگر فرزند اضافی عصای دست نیست قوز بالا قوز است!

November 2016 **AWAKENING** Issue # 90

بیـــــداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

و ماتسقط من ورقه الا یعلمها «انعام ـ ۵۹»
یعنی هیچ برگی نمی‌افتد مگر اینکه خداوند بخواهد!
با این سخن قرآنی، پس همه بمب گذاریهای سوریه، فرانسه، آمریکا، عراق، ترکیه، افغانستان، و سر بـریدن هـای داعش، سوزاندن یهودی ها بدست هیتلر، آمدن خمینی بـه‌ایـران، اعدام های روزمره در ایران و.... و... و همه و همه خواست خداوند است و کس دیگری مسئول نیست! غرق مهاجرین در دریاها، دزدی های میلیاردی در ایران، سقوط هواپیماها همه الا یعلمهاست!

یک قانون خدایی دیگر ـ شوهری وارد خانه می شود همسر خود را با مرد دیگری می‌بیند، قانون الله اجازه می‌دهد شوهر همسر خود را در جا به‌قتل برساند بدون آنکه جرمش اعدام باشد اما زنی وارد خانه می شود، شوهر خود را با زن دیگری می‌بیند، قانون الله و قرآن به زن حق هیچ کاری را نمی‌دهد. زن باید سرش را بیندازد پایین برود که عیش شوهرش خراب نشود. چون مرد مسلمان تخم دو زرده کرده و جهان فـقط برای لذت جنسی مرد خلق شده است.

Thinking points for Iranian youth

"You have to respect people's beliefs."

the easy response to this is "no, actually, belifs do not have to be respected."

I respect you right to have them.

I respect your right to peacefully express them,

I do not respect your belief that I am an evil person.

I do not respect your belief that I am going to hell.

I do not respect brainwashing.

I do not respect cults.

I do not respect hatred, sexism or tyranny

I do not respect your religion. And I don't have to.

And you don't have to respect my atheism.

Atheist Republic

خواهشی از شما

حال که فـروشگاهها از پـخش «بـیداری» مـانند سـایر نشـریات خودداری می‌کنند برهمه‌ی ایرانی هایی که این نسخه از بیداری بدستشان می‌رسد واجب است و خواهش می‌کنیم آن را دستکم ده شماره کپی کنید و یا با پرداخت ناچیزی برای هزینه پست، ما آن را برای شما بفرستیم تا به‌دست دوستان، بستگان و یا غریبه ها برسانید. ما به تجربه قویاً ادعا می‌کنیم بیداری می‌تواند بسیاری را آگـاه‌تر کرده و بسیاری را تغییر دهد. این همه تلاش تنها برای خواندن شما و کنار گذاردن آن نیست. بیداری را باید دست به‌دست کـنید تـا ثمرش را همه‌ی ما در زندگی خود ببینیم نه سد سال دیگر. خواهش می‌کنیم برای پخش بیداری به‌ما یاری‌برسانید. 858-320-0013

BIDARI بیداری
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A

Prsrt Std
U.S. Postage
Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129